آوازها و تصنیف‌های ایرانی

Shiraz-Beethoven.ir

مدیر کل موزیک ارتش ایران از ۱۲۴۷ تا ۱۲۸۵

گرد آوری و تصحیح

منوچهر صهبائی

اولین نت‌نویسی‌های موسیقی چند صدایی ایران. کلکسیون منوچهر صهبائی

بنیاد فرهنگی هنری مهرگان
تهران ۱۳۸۲

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

دستگاه چهارگاه

قسمت اول ۱۹-۲۶

مقدمه: آلگرو؛ آندانته؛ درآمد: آندانته؛ تصنیف دیشب کجا می خوردی؟: آندانته؛ آواز زابل: آندانته؛ تصنیف بیش از این دیگر: آندانته.

قسمت دوم ۲۷-۳۳

مقدمه: والس؛ آواز زنگوله: آندانته؛ رنگ: آلگرو؛ آواز حُدی: آندانته؛ رنگ: آلگرو؛ آواز پهلوی: آندانته؛ رنگ: آلگرو؛ آواز رجز: آندانته؛ رنگ: آلگرو.

قسمت سوم ۳۴-۴۰

مقدمه: ویواچه؛ والس؛ آواز مخالف: آندانته؛ اگر یار منی: آلگرو؛ آواز مغلوب: آندانته؛ تصنیف مخالف: آندانته.

دستگاه همایون

قسمت اول ۴۱-۴۸

مقدمه: مائستوزو؛ آلگرتو؛ درآمد: آندانته؛ تصنیف همایون: آندانته؛ آواز چکاوک: آندانته؛ تصنیف چکاوک: آندانته، آلگرتو.

قسمت دوم ۴۹-۵۷

مقدمه: مائستوزو؛ آندانتینو؛ آلگرو؛ آندانتینو؛ مووومان والس؛ آواز بیداد: لِنتو؛ تصنیف: آندانته؛ آواز نی‌داود: لنتو؛ تصنیف: آندانته، آندانتینو.

دستگاه ماهور

قسمت اول* ۵۸-۶۸

مقدمه: پیش‌درآمد؛ آلگرتو؛ درآمد: آندانته، آلگرتو؛ آواز داد: آندانته، آلگرتو؛ آواز خسروانی: آندانته؛ تصنیف ای زلف سرکجت: آندانته، ویواچه؛ آواز دلکش: آندانته؛ تصنیف چهره‌ی خوب تو را: آندانته، ویواچه، آلگرو، ویواچه.

* قسمت‌های دیگر در اصل دست‌نویس لومر موجود نیستند.

Shiraz-Beethoven.ir

پیش‌گفتار

در طی سال‌ها تحقیق در مورد موسیقی سمفونیک ایران به این نتیجه رسیدم که از زمان ورود موسیقی چندصدایی به این کشور تاکنون صدها اثر به‌وسیله‌ی آهنگسازان ایرانی نوشته شده که اکثر آن‌ها به‌دلیل بی‌توجهی از بین رفته است. متأسفانه در بعضی موارد حتا اسمی از آن آثار باقی نمانده است.

موسیقی‌دانانی مثل پرویز محمود به‌دلیل رقابت‌های بی‌مورد از طرف دیگران برای همیشه ترک وطن کردند و تقریباً تمام آثار آنان مفقود شد. آثار آهنگسازان دیگر هم یا هرگز اجرا نشدند و یا اگر یک یا چندبار به اجرا درآمدند به دلیل ضعف اجراها هرگز نتوانستند آن‌طوری که باید مورد توجه قرار گیرند و جایی در ریرتوار برنامه‌های ارکسترها برای خود باز کنند و در نتیجه به دست فراموشی سپرده شدند.

از طرفی فقدان موزیکولوگِ (محقق موسیقیِ) واقعی در ایران باعث شده که تقریباً هرگز کسی به تحقیق عمیق در مورد آثار آهنگسازان نپردازد. زیرا متأسفانه در ایران نادرند کسانی که تحصیلاتی در رشته‌ی موسیقی‌شناسی انجام داده و پس از پایان آن به رشته‌ی تحصیلی خود وفادار مانده باشند. اکثراً پس از خاتمه‌ی تحصیلات سعی کرده‌اند وقت خود را به آهنگسازی و یا نوازندگی و یا کارهای هنری دیگر، که مربوط به یک موسیقی‌دان است و نه به یک محقق موسیقی، اختصاص دهند. از طرفی دیگر، تاکنون، به‌غیر از یکی دو مورد، آن‌هم در گذشته‌های دور، قدم بارزی برای حفظ و اشاعه‌ی آثار سمفونیک ایرانی از طرف وزارتخانه‌های مربوطه برداشته نشده و فقط تعداد بسیار محدودی از آهنگسازان به چاپ و یا اجرا و ضبط آثار شخصی خود دست زده‌اند.

با توجه به همه‌ی این مشکلات و کمبودها و به‌منظور حفظ و اشاعه‌ی آثار باقی‌مانده و آثار جدیدتر، علی‌رغم مشغولیت‌های زیادی که در رشته‌های تخصصی خود دارم و صرفاً به‌خاطر عشق و علاقه‌ای که به کشور ایران و هرچه که مربوط به آن است احساس می‌کنم، از سال‌ها پیش تصمیم گرفتم مقداری زیاد از وقت خود را صرف جمع‌آوری آثار آهنگسازان ایرانی کرده و با استفاده از سال‌ها تحصیل، تحقیق و تجربه‌ی خود در رشته‌های مختلف موسیقی و با به‌عهده گرفتن تمام مخارج سنگین آن، اقدام به بازسازی و در صورت لزوم، تصحیح، نت‌نویسی جدید، اجرا و ضبط این آثار فراموش‌شده کنم. تاکنون تعداد زیادی از این آثار را در برنامه‌های کنسرت‌های خود جای داده، مقداری از آن‌ها را ضبط نموده و در اروپا به‌وسیله‌ی مؤسسه‌ای به‌نام آریان اِ.ام.اس. که بدین منظور به‌وجود آورده‌ام (Aryens EMS = http://aryensems.free.fr) منتشر کرده و نمونه‌هایی از آن‌ها را برای ارکسترها و رادیوهای مختلف در سراسر جهان فرستاده‌ام تا لااقل از وجود این آثار مطلع شوند. مقداری از این ضبط‌ها را هم در تهران با همکاری مؤسسه‌ی ماهور انتشار داده‌ایم.

خلاصه‌ای در مورد پیدایش موسیقی چندصدایی در ایران

در حدود سال ۱۸۶۰ میلادی روابط سیاسی بین ایران و فرانسه بسیار خوب بود. ناصرالدین‌شاه قاجار، که در آن‌زمان بر ایران سلطنت می‌کرد، سفرهای متعددی به کشور فرانسه داشت و در آن‌جا با تمام تشریفات رسمی که شایسته‌ی مقام او بود استقبال می‌شد. بخشی از این تشریفات، ارکستر نظامی بود که برای خیرمقدم به او و یا در مراسم رسمی دیگر حضور داشت و آثاری را اجرا می‌کرد.

در سال ۱۸۶۷ پس از بازگشت از سفر فرانسه، وی به سفیر آن زمانِ ایران در فرانسه، حسنعلی گرّوسی ملقب به امیرنظام، دستور می‌دهد که با مارشال نیل که در آن‌زمان وزیر دفاع آن کشور بود تماس بگیرد و در مورد اعزام یک موسیقی‌دان نظامی که دارای صلاحیت و قادر به نظم و ترتیب دادن به ارکسترهای نظامی باشد که قبلاً به وسیله‌ی موسیقی‌دانان نظامی فرانسوی، بوسکه (Bousquet)

Shiraz-Beethoven.ir

و رویون (Rouillon) در ایران به‌وجود آمده و در آن‌وقت به‌صورت نیمه‌تعطیل درآمده بودند، اقدام کند. مارشال نیل، آلفرد ژان-باتیست لومر (Alfred Jean-Baptiste Lemaire) را که در آن‌زمان معاون موسیقی اولین هنگ متحرک گارد جمهوری فرانسه بود برای این کار انتخاب کرد و بعد از مذاکرات لازم در سال ۱۸۶۸ لومر به تهران فرستاده شد. او با پشتکار زیاد و انرژی خستگی‌ناپذیر به کار مشغول شد و نت‌خوانی، نوازندگی سازهای بادی و دروس تئوری موسیقی را به شاگردان موسیقی ارتش آموخت. به دعوت او اشخاص دیگری هم برای مدت کوتاهی به ایران آمدند و با او همکاری کردند. از جمله شخصی به‌نام دووال (Duval) به منظور تدریس ویولن و سازهای زهی به ایران آمد. با تلاش لومر در طی مدّت کوتاهی چندین ارکستر نظامی تشکیل شد.

لومر به‌طور غیرمستقیم و از طریق موسیقی نظامی، موسیقی چندصدایی را در ایران پایه‌گذاری کرد، هرچند که روی پایه‌هایی سست و لرزان. در این‌جا وارد این بحث نمی‌شوم، زیرا خارج از محدوده‌ی این پیش‌گفتار است.

شرح حال آلفرد ژان-باتیست لومر

لومر در تاریخ ۱۵ ژانویه‌ی سال ۱۸۴۲ میلادی (۱۲۲۰ شمسی) در اِر سور لالیس (پا دو کاله) Aire-Sur-la-Lys (Pas-de Calais) در فرانسه به‌دنیا آمد. او چهارمین فرزند فرانسوا گیوم لومر بازرگان (François Guillaume Lemaire)، و اِلیز کاردون (Elise Cardon) بود. پس از چند سال تحصیلات مقدماتی، در سال ۱۸۵۵ لومر زادگاه خود را به قصد پاریس ترک کرد و در کنسرواتوآر آن شهر مشغول به ادامه‌ی تحصیل موسیقی شد. وی در آن سال‌ها نزد عموی خود، فرانسوا فیلیپ لومر (François Philippe Lemaire) که در پاریس هتلداری می‌کرد زندگی کرد. در سال ۱۸۵۸ پدر و مادرش به او پیوستند. در سال ۱۸۶۳ لومر تحصیلات خود را در رشته‌های فلوت، سلفژ، هارمونی و کنترپوان به‌پایان رساند و در همان سال به استخدام قسمت موسیقی اولین هنگِ متحرکِ گاردِ جمهوری فرانسه درآمد.

لومر در سال ۱۸۶۸ به تهران فرستاده شد. در تهران با آنریت آنتوانت آن لوئیز پشه (Henriette Antoinette Anne Louise Pesce) دختر کلنل لوئی‌جی پشه (Luigi Pesce) که برای تعلیم گروه‌های نظامی به ایران آمده بود و ایفی‌ژنی پی‌زانی دا بکادِلّی (Iphigénie Pisani da Beccadelli) آشنا شد و در تاریخ ۲۱ ژانویه‌ی ۱۸۷۲ با او ازدواج کرد، ثمره‌ی این ازدواج سه پسر و یک دختر بود...

لومر به‌تدریج یکی از نزدیکان ناصرالدین‌شاه قاجار شد و در اغلب سفرهای او به پاریس او را همراهی می‌کرد. بعد از به قتل رسیدن ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۸۹۵ لومر در تهران به کار خود ادامه داد و بارها مظفرالدین‌شاه قاجار در سفرنامه‌های خود از او یاد می‌کند. سرود ملی آن زمان که از ساخته‌های لومر بود تا آخر دوره‌ی سلطنت محمدعلی‌شاه قاجار یعنی سال ۱۹۰۹ اجرا می‌شد و در زمان سلطنت احمدشاه قاجار با سرود جدیدی از ساخته‌های غلام‌رضا مین‌باشیان جای‌گزین شد.

لومر در تاریخ ۲۴ فوریه‌ی ۱۹۰۷ (۱۲۸۵ شمسی) در تهران دار فانی را بدرود گفت.

مهم‌ترین آثاری که او از خود به‌جای گذاشت و امروزه به‌دست فراموشی سپرده شده‌اند به شرح زیرند:

۱. سرود ملّی ایران، این سرود که اولین سرود ملی ایران بود قبل از سال ۱۸۷۳ ساخته شد و تا سال ۱۹۰۹ در مراسم مختلف نواخته می‌شد.

۲. دستگاه همایون، آواز و تصنیف ایرانی، تنظیم برای آواز و پیانو.

۳. رقص شرقی.

۴. بیست آهنگ عامیانه‌ی ایرانی برای پیانو، این اثر را در سال ۱۸۷۲ نوشت.

۵. پانزده آهنگ عامیانه‌ی ایرانی برای پیانو (سال ۱۸۸۱).

۶. رقص بر روی آهنگ‌های ایرانی (۱۸۸۱).

۷. مجموعه‌ای از موسیقی ایرانی به اسم آوازها و تصنیف‌های ایرانی (۱۹۰۰).

او در نوشته‌هایش به آثار دیگری اشاره کرده که امروزه همگی مفقود شده‌اند.

مجموعه‌ی آوازها و تصنیف‌های ایرانی، تنظیم برای پیانو از آلفرد ژان-باتیست لومر

این یکی از اولین نت‌نویسی‌های موسیقی چندصدایی ایران است. بنابر نوشته‌های لومر، او این مجموعه را قبل از سال ۱۹۰۰ به دستور مظفرالدین‌شاه قاجار برای پیانو تنظیم کرد. در این مجموعه او سعی کرده است قسمت‌هایی از موسیقی سنتی را انتخاب کند که فواصل نت‌های آن‌ها معتدل و قابل اجرا با پیانو باشند. در یادداشتی که وی همراه اولین نت‌نویسی این اثر به‌جای گذاشته می‌نویسد:

آوازهای ایرانی (پیش‌درآمدها و آوازها) از زمان‌های باستان تا به‌امروز همیشه به‌صورت یک‌صدایی و بدون همراهی هارمونیک *(accompagnement)* اجرا شده‌اند. یک آواز در هر دستگاهی که باشد چندین‌بار و بدون همراهی سازی، پشت سرهم تکرار می‌شود و سپس با یک تصنیف و یا یک رِنگ که به‌وسیله‌ی تمبک و یا دایره همراهی می‌شود به‌پایان می‌رسد.... ما تاکنون تصنیف‌هایی را نت‌نویسی کرده‌ایم، ولی در این‌جا برای اولین‌بار دست به انتشار آوازهایی می‌زنیم که هرگز نت‌نویسی نشده و یا اگر در این مورد سعی‌هایی شده، به‌طور دقیق انجام نشده بوده است... به‌امر مظفرالدین‌شاه، ما برای اولین‌بار، زیر این آوازها آکومپانیمان گذاشتیم [منظور در این‌جا آکوردهایی هستند که دست چپ پیانو می‌نوازد] و یک سوییت آوازی به‌وجود آوردیم، بدون این‌که آوازها

Shiraz-Beethoven.ir

تکرار شوند. ولی بین آن‌ها تصنیف‌هایی را جای دادیم تا از یک‌نواختی ملودی‌های تکراری جلوگیری شود. این ابتکار را که در ایران موفقیت زیادی به‌دست آورده است ما مدیون سلیقه‌ی آگاهانه‌ی اعلیحضرت در زمینه‌ی موسیقی هستیم.

در خاتمه لومر خاطرنشان کرده است که شاگردان کنسرواتوآر (منظور قسمت موسیقی نظامی مدرسه‌ی دارالفنون است) موفق به نت‌نویسی دقیق آوازهای ایرانی شده‌اند و به‌خصوص از ارسلان ناصر همایون نام برده است. این نشان می‌دهد که ملودی‌های این مجموعه به‌وسیله‌ی شاگردان مدرسه‌ی موسیقی آن‌زمان نوشته شده و در اختیار لومر قرار داده شده بودند.

همان‌طوری که قبلاً اشاره شد تنظیم این قسمت‌ها از دستگاه‌های موسیقی سنتی برای پیانو در سال ۱۹۰۰ به‌پایان رسید. در این‌جا لازم می‌دانم اشاره کنم که تا قبل از این تاریخ موسیقی‌دان‌های خارجی دیگری هم دست به نوشتن مقالاتی در مورد موسیقی ایران و تصنیف آثاری که از شعر و موسیقی ایران الهام گرفته شده، زده بودند. هرچند که در آن آثارِ نسبتاً کوتاه رابطه‌ی مستقیمی با موسیقی ایرانی شنیده نمی‌شود. با این‌همه آن‌ها شواهدی هستند بر این‌که قبل از لومر در این زمینه فعالیت‌هایی شده بود. به عنوان مثال: نُه آواز فارسی، تنظیم برای پیانو از آنتوان دو کونتسکی (Antoine de Kontski) در نمونه‌هایی از اشعار عامیانه‌ی ایران، لندن ۱۸۴۲ (*Specimens of the Popular Poetry of Persia*, London 1842) یا از یوزف فون هامر (Joseph von Hammer) در تاریخچه‌ی سخنوری‌های زیبای ایران، وین ۱۸۱۸ (*Geschichte der Schönen Redekünste Persiens*, Wien 1818.)

در حال حاضر بیش از یک قرن از تصنیف این مجموعه می‌گذرد و این اولین اجرای این اثر به حالت اصلی (Original) و به‌طور کامل و با ذکر نام آهنگساز است. همان‌طوری که قبلاً اشاره شد، از زمان شناسایی نت‌نویسی و موسیقی چندصدایی در ایران تاکنون ده‌ها و شاید صدها اثر خلق شده که به‌دلیل بی‌توجهی و دلایل دیگر از بین رفته‌اند. شاید سرنوشت می‌خواست که یک نسخه از نت‌های این مجموعه در گوشه‌ای پنهان، شاهد تمام وقایع تاریخ موسیقی چندصدایی ایران باشد و منتظر موقعیتی شود تا سر از پناهگاه خود درآورد و مرا متوجه خود سازد.

این قطعات در نوع خود بسیار زیبا و از نظر تاریخ موسیقی ایران حائز اهمیت هستند. جنبه‌ی هارمونیزاسیون آن‌ها در مقابل ملودی‌های زیبایشان ارزش زیادی ندارند. در مورد ملودی‌ها باید گفت با توجه به این‌که این قطعات در زمانی به نت درآمده‌اند که هنوز تهاجم موسیقی غیر ایرانی به‌وسیله‌ی رادیو، ضبط و تلویزیون اتفاق نیفتاده بود می‌توان تا حدی به اصالت آن‌ها اعتقاد داشت. هرچند که نت‌نویسی دقیق حتا جزئی از موسیقی سنتی ایران که بیشتر به‌صورت بداهه‌نوازی اجرا می‌شود بسیار مشکل است و به‌سختی می‌تواند صددرصد اجرای آن‌را به وسیله‌ی استادان آن‌زمان به ما برساند، ولی زیبایی قطعات اجراشده و اهمیت تاریخی آن‌ها به حدی‌ست که مسایل دیگر در مقابل آن‌ها بی‌اهمیت به نظر می‌آیند. ما این اثر را، مانند ده‌ها اثر دیگر، بازسازی و نت‌نویسی و در سال‌های اوّل دهه‌ی ۱۳۷۰ هجری شمسی در سوییس اجرا و ضبط کرده‌ایم. همزمان با انتشار این نت‌ها، سی‌دی این مجموعه را نیز به چاپ رسانده و در دسترس دوستداران موسیقی قرار می‌دهیم.

امید است کوشش‌های ما باعث بقا و شناساندن موسیقی چندصدایی و موسیقی سمفونیک ایران شود و در آینده آثار آهنگسازان ایرانی جایی برای خود در برنامه‌های ارکسترها و در سالن‌های کنسرت پیدا کند و به گوش علاقه‌مندان به موسیقی در سراسر جهان برسد.

منوچهر صهبائی

سن‌گالن، سوییس

۱۶ آذرماه ۱۳۸۱

ÂVÂZ ET TASNÎF PERSANS

Dastgâh-e Tchâhârgâh

Edition révisée et réalisée par Prof. Dr. Maruchehr Sahbai

PREMIÈRE PARTIE

Transcrits pour le Piano par Alfred Jean-Baptiste Lemaire (1842-1907)
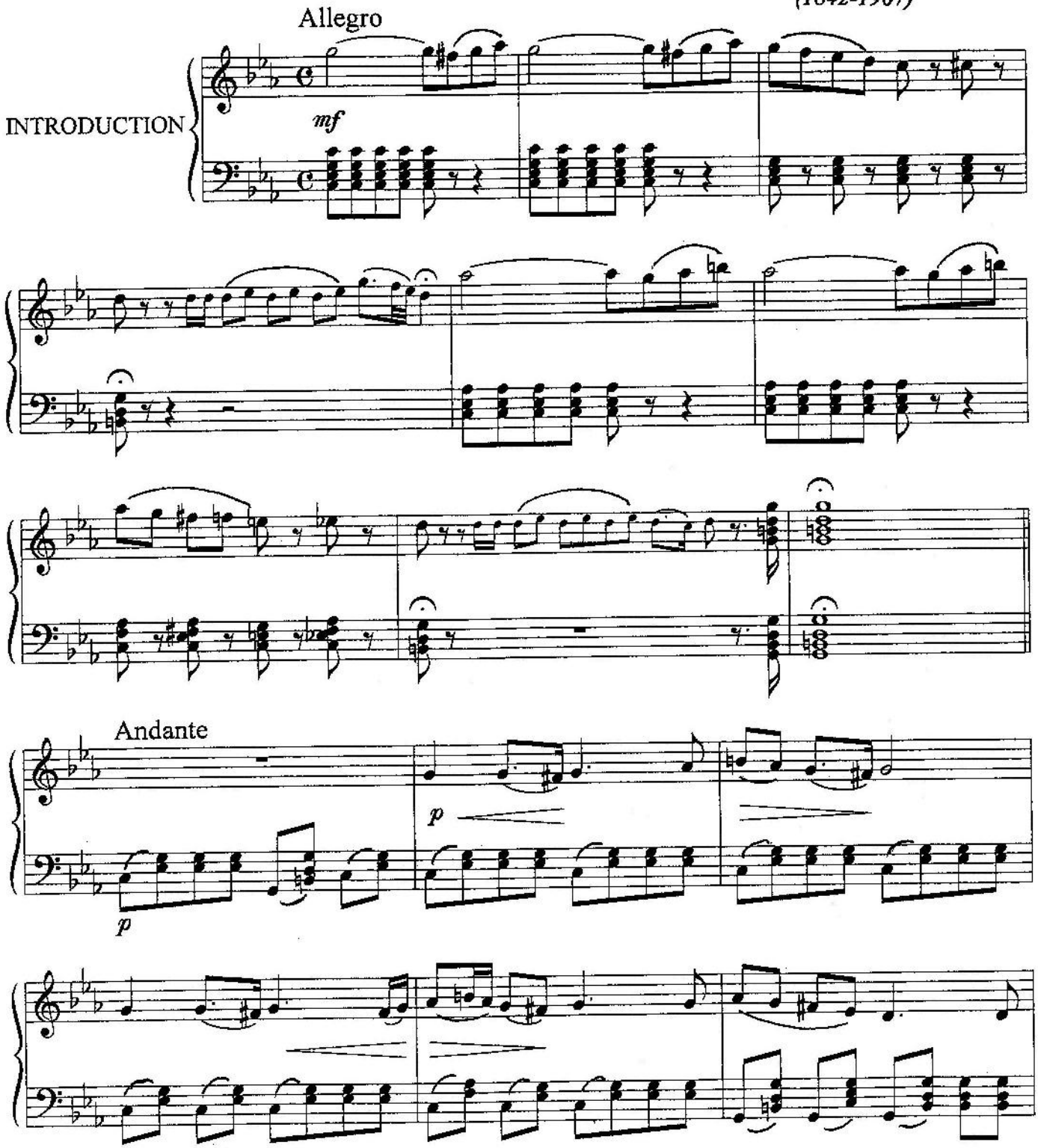
Shiraz-Beethoven.ir
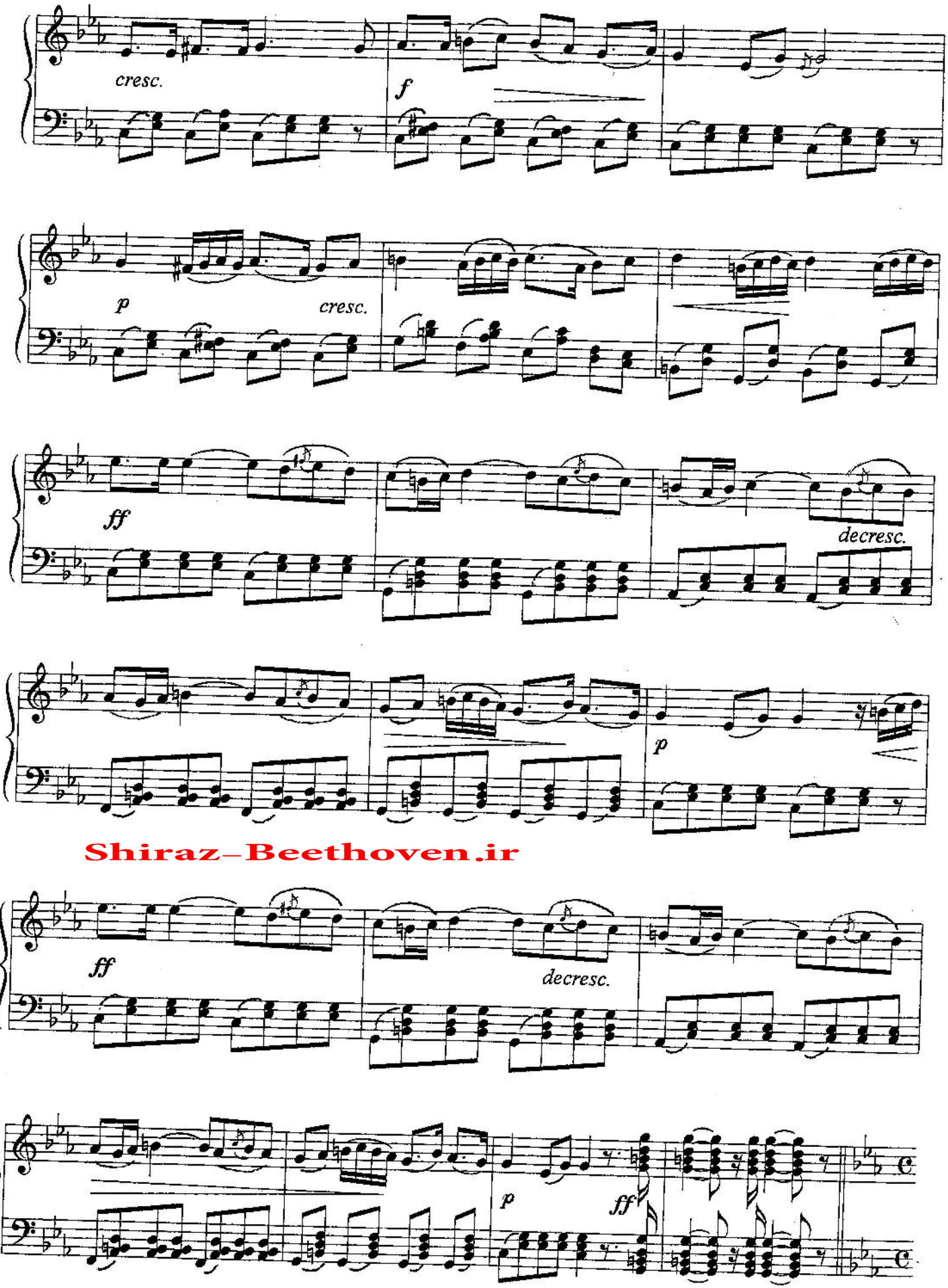
Shiraz-Beethoven.ir

Darâmad
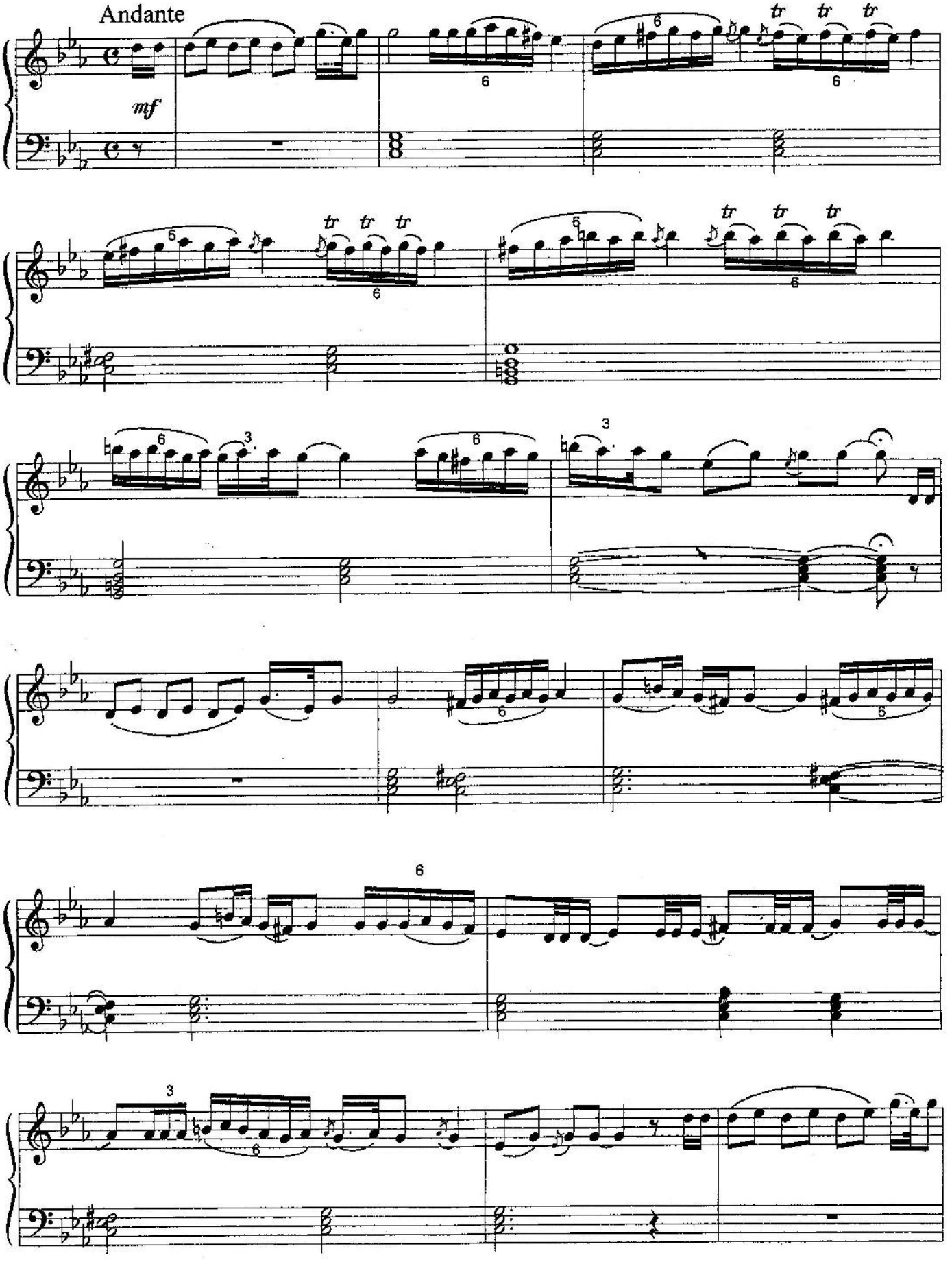
Shiraz-Beethoven.ir